

سخنی چند پیرامون کردها و لهجه کردی

کردها یکی از تیره‌های برومند، کهنسال و دلیر دودمان ایرانی بشمار می‌روند که در سراسر خاورمیانه از دامان مدیترانه تا حوالی هندوستان پراکنده‌اند اما شعاع حقیقی تمرکز آنها در جنوب شرقی ترکیه - شمال عراق و غرب ایران می‌باشد.

در باره تعداد واقعی کردها اختلاف شدیدی میان محققین موجودست بقسمی که تعداد کردها از ۵/۵ تا ۲۰ میلیون و بیشتر برآورده شده است مثلاً تعداد کردهای ترکیه که طبق آمار رسمی ۴ - ۳/۵ میلیون نفر می‌باشد بوسیله یک نویسنده کرد و در یکی از روزنامه‌های ایران هشت میلیون نموده گردیده حال آنکه عراقیها تعداد کردهای بین‌النهرین را که ظاهراً بین دو و نیم تا سه میلیون نفر می‌باشد شاید بدلائل سیاسی بمراتب کمتر نشان داده (یک میلیون) و کوشش نیز کرده‌اند تا یزیدیها را غیر کرد قلمداد کنند ..

طبق نگاشته محمودالدرة در کتاب (القضية الكردية) تعداد کردهای جهان بسال ۱۹۶۶ بشرح زیر بوده است ترکیه ۲ میلیون و هفتصد و پنجاه هزار نفر ایران یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار. عراق یک میلیون و شوری و سوریه مجموعاً دوست و هفتاد و پنج هزار نفر یا بترتیب ۲۰/۴۶ - ۷۴/۳۰ - ۳۴/۱۸ و ۷۲/۴ درصد مجموع اکراد جهان.

اما کردایف نویسنده شوروی در کتاب زبان کردی بسال ۱۹۶۱ ارقامی بمراتب بیشتر ارائه می‌دهد.

کردهای ترکیه سه و نیم تا چهار میلیون کردهای ایران دو و نیم تا سه میلیون

کردهای عراق ۱/۵ میلیون کردهای سوریه سیصد تا چهارصد هزار و کردهای شوروی هشتاد هزار .

سرلشگرزنگنه کردهای ایران را دومیلیون نفر کردهای ترکیه را يك میلیون - ونیم کردهای عراق را يك میلیون و ششصد هزار کردهای روسیه و سوریه و پاکستان و هندوستان را مجموعاً پانصد و هشتاد هزار ذکر می کند .

ولی دکتر بلج شیرکوه در رساله قضیه اکراد بسال ۱۹۳۰ مجموع اکراد را به ۸ میلیون و الکساندرزایا نویسنده روس بسال ۱۸۶۰ تعداد کردها را از پنج میلیون بیشتر برآورد می کند .

در برابر اینان همانطور که فوقاً ذکر شد یکی از نویسندگان محقق و کرد - نژاد که متأسفانه عین مقاله او در دسترس نیست رقم کردها را از ۲۰ میلیون نفر هم بیشتر میدانند و گرچه این رقم اغراق آمیز بنظر میرسد اما به توجه به اطلاعات وافر نامبرده .. لااقل درخور مطالعه می باشد .

لازم به تذکرست که برخی محققین تیره های ظاهراً غیر کردی را از ریشه کرد دانسته اند مثلاً سرلشگر زنگنه بر اهو شیهای هندوستان را اصلا کرد میدانند و نوبخت مدعی است که واژه کرت از لفظ کرد مشتق شده وعده ای کرد و کرد نژاد در آن سامان سکونت دارند . وی مقاله ای مستدل و توأم با تصویر کردهای کرت نیز ارائه داده است .

گو اینکه تردید نیست کردها از دودمان ایرانی هستند کم نیستند کسانی که در این موضوع تردید نموده مطالب دیگری ابراز داشته اند از جمله بنگاشته محمود الدرة ترکیهای متعصب کردها را (اتراک الجبال) می نامند و خود نامبرده و نیز دکتر شاعر عرب کردها را از دودمان کوتو و کوتوها را غیر ایرانی بحساب می آورند (غالب

نویسندگان کردها را از بازماندگان کوتوها می‌دانند و اکثراً کوتوها را آریائی و ایرانی‌الاصل شمرده‌اند .

زهیلی در ص ۴۵۲ - ۴۴۲ کتاب خود می‌نویسد (کردها بطور عمده ساکن ترکیه آسیا هستند ولی ، از حیث زبان و خصوصیات ایرانی می‌باشند .. احتمال می‌رود از اولاد کلدانیها باشند) .

راولتسون جلد ۲ صفحه ۳۰۷ کردها را از حیث خصوصیات جسمانی مشابه مادهای باستانی می‌شمارد مردوخ کردستانی - استاد رشید یاسمی کرد هم نویسنده تاریخ کلیسای کهن ص ۲۶۸ وحتی فیلد در کتاب مردم شناسی چه در فصل مقایسه پنج دسته مردم ایران و چه آنجا که از شباهت کردها و پستوها سخن می‌آورد و تفاوت عمده آنرا تنها سیاه‌تر و بزرگتر بودن چشم کردها می‌شمرد همه و همه به آریائی بودن کردها اذعان کرده‌اند و از آنجا که جمع بررسیهای آتر و پولوژی جسمانی و زبان شناسی و نیز قرائن تاریخی بسود این مطلب است تردیدی نمی‌ماند که نظریات مخالف جنبه علمی ندارند حتی همان جناب محمد الدرة جملاتی بدین شرح می‌نویسد که برای هر محققى جای تأمل بسیار دارند (و یعلل المباحثون بین الاوصاف الاكراد الشمالین القاطین فی ترکیة و فی شمال غربی ایران و التي تکشف لمیزات آریة واضحة كالرأس الطویل و القامة الطویلة و عناصر الشقره كالشعر الاشقر و العیون الترق ...)

گو اینکه سخنی از شباهت برخی اکراد و دیگر ساکنین بین‌النهرین بعمل آمده و بعضی این امر را دلیل به نفوذ نژاد سامی در اکراد گرفته‌اند با توجه بشباهت کلی ساکنین بین‌النهرین و ایران کنونی چه از نظر آنتروپولوژی جسمانی و چه با توجه به زیست مشترك قرن‌ها مردم این سامان زیر يك پرچم ...

بطلان امر مزبور آشکار میشود و بفرض قبول هم این خصایص در برابر دیگر

خصایص اکراد آنچنان ناچیزند که بشمار نتوانند آمد .

و اما سخنی چند پیرامون زبان کردی و لهجه‌های آن (گو اینکه کردی از نظر علمی زبان نیست بلکه خود لهجه بشمار میرود) بطور کلی زبان کردی از نظر ادبیات بدوشاخه تقسیم می‌شود .

الف - کردی کرمانجی ب - کردی سورانی و مقاله محققانه آقای آرین - نژاد پیرامون لهجه‌های کردی و تقسیم آنها بچند لهجه دیگر در هر حال مابین این تقسیم بندی کلی نیست .

کردی کرمانجی در شمال غربی بیشتر در ترکیه (دیاربکر - ماردین - خاکپاری - تبلیس - موشا - وان - ارض روم - داغ بایزید) و ایران (خراسان - دریاچه رضائیه) - تر و بین النهرین (موصل - آکری - زاخو - آمدی - دینخوگا - کوهپای سنجر) تکلم می‌شود در حالیکه مهاباد - سکر - بکانه - بانه - سند - کرمانشاه - مندالی - کرکوک - اریل - سلیمانیه - رواندوز بکردی سورانی سخن می‌گویند و گوا اینکه موسوم شده که ادبیات کردی ذیل نام کردی سورانی سنجیده شود معذک همانطور که کرد ایف می‌نماید این امر بجا نیست .

در هر حال و علی‌رغم تصور بسیاری مردم عامی ادبیات کردی در نوع خود بسیار غنی و دارنده آثار بزرگی چون (چریکه مم وزین) - (خسرو و شیرین) و (شیخ صنعان) می‌باشد .

از نویسندگان ادبیات کرمانجی می‌توان فاکه طیران (۱۳۷۵ - ۱۳۰۲ م) ملاجریری (۱۴۸۱ - ۱۴۰۷) احمدخانی (۱۶۵۲ - ۱۵۹۱) اسلامی بایزید (۱۷۰۹ - ۱۶۴۲) پرتوبک‌حایری (سال وفات ۱۸۰۸) و از نویسندگان سورانی بسارانی (۱۸۰۲ - ۱۷۱۴) نالی (۱۸۵۵ - ۱۷۹۷) کردی (۱۸۴۹ - ۱۸۰۹) خاچه‌کادر - کویا (۱۸۹۹ -

۱۸۴۸) سلیمه (۱۸۹۹ - ۱۸۰۰) را نامبرد آغاز مطالعه درباره ادبیات کردی در اروپا بسال ۱۷۸۷ یعنی نگارش کتاب گرامر و کتاب لغت کردی در رم بوسیله کاوزانی **Gavzani** ایتالیائی برمی گردد پس از وی **Chadzko** در سال ۱۸۷۲ در سلیمانیه کتاب مطالعات فیلولژیک درباره زبان کردی و بعداً **Rhea** لغت-نامه کردی بویژه لهجه هکاری را نوشت در ۱۹۰۹ مان درباره لهجه مگری وقواعد آن در ۱۹۱۹ فومه و در ۱۹۱۳ سوآن مطالبی درباره گرامر کردی (آخری درباره کردی کرمانجی منتشر ساختند **Jardine** در ۱۹۲۲ کتاب بهدینان کرمانجی و گرامر کرمانجی منطقه موصل و . .) را نوشت بعدها پایدار - مکنزی - کرایف نیز مطالبی در ۱۹۶۱ - ۱۹۵۷ - ۱۹۵۶ - ۱۹۲۶ نگاشتند .

توکرمان و با کاتف نیز بنوبه خود کارهایی انجام دادند از جمله با کاتف درباره زبان کردهای آذربایجان کتاب شاید منحصر بفردی نوشت (۱۹۶۵) . باکمال تأسف مقالات و کتب فارسی درباره کردها بسیار کم بوده هنوز که هنوزست کرسی و بژدای دردانشگاه برای زبان و ادبیات کردی وجود ندارد (و برآستی که شرم آورست بیگانه قواعد و زبان و ادبیات کردی را موضوع کتب متعدد خود قرار دهد و ایرانی کلز مهمی تدوین ننموده باشد) و اما سخنی چند پیرامون زبیدیها (که محمودالدره درباره کرد بودن آنها بسیار شك بیجائی کرده است چه نه از نظر خصوصیات جسمانی و نه از نظر زبانشناسی با دیگر اکراد تفاوت دارند) این عده طبق (القضیه الکردیه) به ۷ طبقه ۱ - المیر ۲ - بس میر ۳ - الشیوخ ۴ - کوچک یا قرابون ۵ - القوالون ۶ - الفقراء ۷ - المریدون تقسیم می شوند بیشتر در عراق قضاء الشیخان شمال شرقی موصل و جبل سنجار (قبائل فقراء - مسکوره - سموکه - هیابه - مندکان - قیران - هسکان - دوخی - مان خالتی - بکران - مهرکان - داکن) سکونت دارند و تعداد آنها طبق

آمار ۱۹۵۷ برابر ۵۵۶۹۰ نفر بوده است (۷۶/۰/۰ عراقیها) برخی از یزیدیها هم درشوروی (قفقاز) سکنی دارند .

ضمناً لازم به تذکرست که برخی نویسندگان لرها و بویژه ایل شبانکاره را کرد شمرده‌اند (اورنگ درمورد ایل مزبور) و این مطلبی است که درعین اینکه مورد پذیرش همگان نیست بر مبنای علمی محکمی قرار دارد و اما کمی هم پیرامون الفباء و خط کردی - بطور کلی ۳۹ حرف ۹ با صدا و ۳۰ بیصدا برای زبان کردی ادبی بشمار آورده‌اند با اینحال با کاتف برای کردی ترکمنی (که ظاهراً کردی مناطق ترك نشین می باشد) ۲۹ - ۲۸ حرف بیصدا و ۹ حرف با صدا بشمار می‌آورد . زبان کردی اینک بسه‌شویه نگاشته می‌شود یکی شیوه متداول کردی (مانند پارسی) که تفاوت مختصری با خط کنونی پارسی دارد دوم به خط روسی کمی تغییر یافته ! وسوم به خط لاتین . بنظر این ناچیز ابداع خط روسی و لاتین نه فقط برای زبان کردی بجا نیست بلکه زیان‌هایی نیز دربردارد که بحث درباره آنها از گنجایش این مقال خارج است . بطور کلی زبان کردی چه از نظر واژه‌ها و ترمینولوژی بگفته‌گردایف و چه از نظر شعرا و نویسندگان (علاء الدین سجادی نویسنده کرد تنها ۴۰۰ نفر شاعر ارائه میدهد) بسیار غنی است و جای آنرا دارد که از هر حیث مورد بررسی و تتبع کاوشگران قرار گیرد .

کردها چه بگفته دیاکونف بازمانده مادها باشند و چه ریشه دیگری داشته باشند در هر حال در زمره تیره‌های دودمان ایرانی بشمار می‌آیند (چنانکه اطلس ملت‌های جهان چاپ شوروی این امر را تأیید نموده است) زندگی و فرهنگ این توده با ما بستگی‌های انکار ناپذیری دارد و بجاست که اجتماع و دانشگاه‌های ما توجه بیشتری بدینان مبذول دارند .

کردها علی‌رغم فقر - جهل - بیسوادی - بدبختی و ... همیشه درانظار ملت ایران با عشق و تحسین یاد شده‌اند و حتی مبارزات اخیر آنها در عراق الهام‌بخش اشعار حماسی کسانی چون خانم باوند نویسنده عقابان زاگروس - پیکار - دبیر مخصوص (هشیار) و ... گردیده نیز نویسندگانی چون اورنگ - زنگنه (سرلشکر) - آریین نژاد - شورش زاگروس - استاد یاسمی و .. مقالات بسیاری بدین تیره غیور اختصاص داده‌اند پس با امید روزی که پهنه زبان و ادبیات کردی بر ما بیشتر مکشوف افتد و بستگیهای کردها و دیگر توده‌های دودمان ایرانی افزونتر شود .

حکمت

روزگار حیف روا ندارد و هر آینه داد مظلومان بدهد و دندان ظالمان بشکند . ایکه در خوابی از بیداران بیندیش . ایکه توانائی با هم‌رهان ناتوان بساز . ایکه فراخ دستی تنگ‌دستان را مراعات کن دیدی که پیشینیان چه کردند و چه بردند برفتند و جفا بر مظلومان بسر آمد و وبال بر ظالمان بماند راست . شکر بزرگان آن است که بر خردان ببخشایند و همت عالی آنکه بر مال مسکینان دست نیالایند .^۷

(سعدی)